

معلومات خود در زمینه زبان و ادبیات فارسی پرداخت و بویژه درباره فولکلور و اشعار عامیانه پژوهشهای ژرفی به عمل آورد. به هنگام بازگشت مجموعه بزرگی از اشعار عامیانه و ترانه‌ها و ضرب‌المثلهای و کلمات قصار که گردآوری کرده بود با خود به روسیه برد و با نام نمونه‌هایی از اشعار عامیانه ایران انتشار داد و این اثر مورد توجه محافل علم و ادب، بخصوص خاورشناسان قرار گرفت.

از دانشمندان برجسته خاورشناس روسی یکی هم پروفیسور میلر است که درباره زبانهای باستانی فلات ایران پژوهشهای چشمگیری به عمل آورد و در این راه قدمهایی برداشت. این دانشمند با همکاری زالمان در رشته‌ی زبانشناسی ایرانی آثاری آماده و منتشر کرد. در این ایام کتابی نیز درباره لهجه‌های کاشانی

کلاسیک تدریس گردید. در همین سال در مرکز خاورشناسی شهر آازان نیز فعالیتهای ایران‌شناسی آغاز شد و در سال ۱۲۸۰ هجری قمری (۱۸۶۳ م.) برای اولین بار از طرف پروفیسور کریتویچ تدریس زبانهای اوستانی و فارسی میانه و انتشار آثار کهن میخی دوران هخامنشی آغاز گردید.

یکی دیگر از دانشمندان مشهور ایران‌شناس روسی والنتین ژوکوفسکی است (۱۹۱۸-۱۸۵۸ م.) که همتای شرقشناسان شهری چون زالمان و کوشویچ بوده است و به کار تدریس زبان و ادبیات کلاسیک و جدید فارسی پرداخته و از خود مثنیهای درسی و پژوهشی فراوانی درباره زبان و ادبیات فارسی به یادگار گذاشته است. وی در سال ۱۳۰۰ هجری قمری (۱۸۸۳ م.) مسافرتی به تهران کرد و مدت سه سال در پایتخت ایران ماند و به تکمیل

## اندیشه انتشارات دانشگاهی

کتابهای اساسی مانند کتاب مقدس، دستور زبان لاتین و سالناما (almanac) چاپ و توزیع کنند. هیچکس ادعا نمی‌کند که این هدفهای اولیه اکنون نیز به قوت خود باقی هستند. انحصارات یا از بین رفته‌اند و یا بقدری مقید شده‌اند که قادر نیستند کسی را تحت فشار بگذارند.

ناشران تجارتي بر سر تهیه انواع متون و کتابهای مرجع دانشگاهی با قیمتهای مناسب با یکدیگر رقابت دارند. تهیه کاغذهای امتحانی، بولتن خیرهای داخلی، دستور جلسات هیئت علمی و تأمین چاپ نفیس برای اینگونه کارهای روزانه و موقتی دانشگاهی و عرضه آنها در محدوده دانشگاه، اگرچه ممکن است خدمتی به دانشگاه باشد ولی در خارج از دانشگاه اهمیت چندانی ندارد. امروزه مؤسسه انتشارات دانشگاهی - اگر نخواهد مثل هر ناشر و چاپچی دیگری شمرده شود - باید توجه تازه‌ای برای فعالیت خود بیابد.

اینکه مؤسسات نشر دانشگاهی چه می‌توانند بکنند و چه نمی‌توانند بکنند به طور عمده مربوط به ساخت اداری و مالی آنهاست. مثلاً مؤسسات انتشاراتی دانشگاههای امریکایی، بدون استثنا، از نظر مالی مستقیماً از طریق تخصیص بودجه سالانه توسط دانشگاههای خود اداره می‌شوند. این درجه از یکپارچگی

مؤسسه انتشارات دانشگاهی مؤسسه‌ای است که به کار نشر یا چاپ، یا هر دو، می‌پردازد و متعلق به دانشگاه است و زیر نظر آن اداره می‌شود. بر این تعریف تأکید بیش از حد نباید داشت، زیرا ممکن است ترتیباتی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم توسط دانشگاه کمبریج داده شد خارج از این تعریف قرار گیرد. این ترتیبات مبنی بر مشارکت دانشگاه با مؤسسات تجارتي بود که مسئولیت عمده اداره کار را به عهده داشتند. معیار اساسی در کار مؤسسه نشر دانشگاهی آن است که انگیزه کارش مصلحت دانشگاه باشد؛ مصالح آکادمیک را بر منافع تجاری مرجع شمارد و به یک معنی در خدمت دانشگاهی باشد که نامش را بر خود دارد. امروزه يك مؤسسه انتشارات دانشگاهی به چه معنی می‌تواند ادعا کند که چنین معیارهایی را مراعات می‌کند؟ به نظر می‌رسد سابقاً در انگلیس مؤسسات انتشاراتی دانشگاه به این دلیل تأسیس می‌شدند که دانشگاهها را از انحصارگریهایی که به وسیله بنگاههای تجاری و اعضای «شرکت انتشارات» (Stationers Company) به ضرر دانشگاهها اعمال می‌شد، حفظ کنند. دانشگاههای آکسفورد و کمبریج با به دست آوردن فرمان سلطنتی توانستند عملاً «انتشارات» خود را تأسیس کنند و بدون تخطی قانونی به حقوق انحصارگرا در زمینه «مذهب، آموزش و علوم»،

به قلم شرقشناس مشهور ژوکوفسکی و کتابی درباره لهجه‌های سمنانی به قلم استاد خانیکوف منتشر شد. همچنین پژوهشهای سودمند دیگری نیز منتشر شد.

یکی از مراکز مهم ایران‌شناسی و تدریس زبان و ادبیات فارسی در روسیه تزاری «انستیتوی خاورشناسی لازاروف» در مسکو بود که به گفته آکادمیسین اوربلی، از بهترین مراکز ایران‌شناسی روسیه بوده است.

در انستیتوی خاورشناسی لازاروف ایران‌شناسی حایز اهمیت فراوانی بود و ایران‌شناسان مشهوری مانند: میلر، کورس، کریمسکی، نظریان، امین، کانانف، بداغوف و دیگران فعالیت می‌کردند و به تعلیم و تدریس می‌پرداختند. تدریس زبان قدیم، فارسی میانه و جدید از مواد درسی روزانه و جزء برنامه اصلی این

بنگاه علمی بود. در سایه فعالیت خاورشناسان نامبرده انستیتوی لازاروف يك نسل تازه خاورشناس تربیت کرد که سرشناس‌ترین آنان عبارت بودند از: بار تولد، سمیونوف، برتلس، روماسکویچ، میلر، قریمان، ماز و مینورسکی که همگی تعلیم دیده این انستیتو بودند و هرکدام از ایشان به نوبه خود در کارهای خاورشناسی، بویژه ایران‌شناسی خدمات برجسته‌ای کرده است و دست به يك سلسله کارهای تازه و جدی زده و فی‌الجمله موفق نیز بوده است. نسل خاورشناسان پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی دست پروردگان همین دانشمندان بوده‌اند.

نشر آنها توسط هیئت مدیره‌شان تصویب گردیده است. معمولاً يك مؤسسه انتشارات دانشگاهی اصیل، جدا از دانشگاه موجودیت قانونی ندارد. دعوی حقوقی اخیر بر سر انتشار انجیلی که قسمتی از مدارك دعوی در آن به زبان لاتین بود، با صدور حکم رسمی دادگاه مبنی بر اینکه این دعوی توسط «رئیس، رؤسای» دانشکده و استادان دانشگاه آکسفورد و رئیس، رؤسای دانشکده و استادان دانشگاه کمبریج» اقامه شده است، اعتبار بیشتری یافت. مؤسسه انتشاراتی مانند سایر دیپارتمانها و فعالیتهای داخل دانشگاهی توسط کمیته دانشگاه (در اصطلاح آکسفورد «نمایندگان منتخب» و در اصطلاح کمبریج یا هاروارد «سندیکا») اداره می‌شود. اکثریت اعضای این هیئت‌ها را معمولاً اعضای ارشد، اعم از مسئولان آموزشی یا اداری دانشگاه مادر، تشکیل می‌دهند؛ ولی سیستم انتصاب بسته به مقام انتصاب کننده (مجمع عمومی اعضای علمی و یا شورای داخلی مدیران یا قائم مقام آنها) و مدت انتصاب (مادام‌العمر یا برای چند سال) و اینکه مشاوران، بویژه مشاوران مالی، از خارج دانشگاه آورده شده باشند یا نه، فرق می‌کند. در مورد شیوه اجرای دو وظیفه مشخص که هیئت مدیره برای اجرای آنها تشکیل شده، تفاوت حتی بیشتر از این است. نخست اینکه باید مانند يك هیئت مدیره معمولی عمل کند و در مورد

مالی با دانشگاه مادر به آنها اجازه می‌دهد تا در موقعیت دانشگاهها به عنوان مؤسسات غیر انتفاعی سهم و از پرداخت مالیات بر درآمد معاف باشند. در مقابل، آنها اخلاقاً متعهدند که از معاملاتی که بیشتر جنبه تجاری صرف و سودآوری دارد، مانند چاپ کتابهای درسی، پرهیز کنند. در غیر این صورت شرکتهای تجاری رقیب، بحق مدعی می‌شوند که رقابت مؤسسات نشر دانشگاهی، به دلیل کمک هزینه‌ای که می‌گیرند، غیر منصفانه است. در بعضی مواقع کمک مالی دانشگاه چندان مستقیم نیست، بدین معنی که دانشگاه موقوفه‌ای را به مؤسسه تخصیص می‌دهد و مؤسسه به اختیار خود از درآمد آن استفاده می‌کند.

در استرالیا راه ارتباطی غیر مستقیم‌تری پذیرفته شده است و آن واگذاری اداره کتابفروشی دانشگاه به مؤسسه انتشاراتی است. که منافع حاصل به مصرف امور انتشاراتی مؤسسه خواهد رسید. مؤسسات انتشارات دانشگاهی سابقه دار در بریتانیا قادرند از محل درآمد خودشان و با اعتبار خود، بی‌آنکه از دانشگاه مستمری بگیرند، خود را از نظر مالی اداره کنند. تمام مؤسسات انتشاراتی دانشگاههای بریتانیا مشمول مالیاتهای معمول هستند (بجز کارهای چاپی معدودی که مسلم شود برای استفاده در داخل دانشگاه انجام شده است) و مجاز به چاپ کلیه کارهایی هستند که

اعضای هیئت مدیره است؛ البته این در صورتی است که مقصود هیئت مدیره این نباشد که کارها را صرفاً به انتشارات داخلی محدود کند.

از این رو مؤسسه انتشارات دانشگاهی تقریباً مانند يك «طرح امانی» (تراست) توسط مدیران و کارمندی اداره می شود که هیچ گونه نفع مالی از موفقیت‌های مؤسسه نمی برند و در صورت شکست، حداکثر، تویخ می شوند. سهامداران یا غایبند و یا دور هستند، حسابهای مؤسسه انتشارات دانشگاهی کمبریج خصوصی است و فقط سالی يك بار در مورد آن با نمایندگان هیئت مالی دانشگاه مشورت می شود. «سود سالانه سهام» مرتب نیست، با اینهمه، چنانچه منابع مالی مؤسسه تماماً درگیر نگهداری یا توسعه کسب نباشد، جهت بر طرف کردن بعضی نیازهای دانشگاه، مانند تأسیس کتابخانه جدید یا برقراری رشته‌های جدید کمک‌های ویژه‌ای را می توان از مؤسسه انتشارات انتظار داشت. چنین ساختی برخوردی مطلوب و دراز مدت نسبت به پروژه‌های انتشاراتی به وجود می آورد. نقاط ضعفی که در این رابطه می بایست از آنها اجتناب کرد فقدان واقع بینی و عدم درک فوریت‌های کار است.

برخورد ویژه مؤسسات انتشارات دانشگاهی که از طریق آن می توانند یا می توانستند ادعا کنند که مؤسساتی مخصوص هستند، با سه فعالیت نمایان می شود. اولاً مؤسسه به عنوان وظیفه می پذیرد که به نشر کارهای تحقیقی که تقاضای بسیار محدودی دارند بپردازد. فهرست نشریات مؤسسات انتشاراتی کوچکتری که مستقیماً از دانشگاه‌هایشان کمک هزینه می گیرند شامل تعداد زیادی از این آثار است. مؤسسات نشر تجارتي به چنین آثاری «چپ چپ» نگاه می کنند، زیرا هزینه تولید هر نسخه بقدری بالاست که نمی توان قیمتی مناسب و در حد توان خریداران بالقوه برای آنها تعیین کرد. به عبارت دیگر این نوع کارها نیازمند کمک هزینه‌ای است که ممکن است یا از اختصاص بودجه مستقیم تأمین گردد و یا ناشر ضرر حاصل را بپذیرد.

ثانیاً مؤسسات انتشاراتی دانشگاه‌ها همچنین عادت کرده اند که کتابهای خود را به مدت بیشتری در انبار نگهدارند و دوره‌های کسادی را بسیار بهتر از ناشران تجارتي تحمل کنند. این دوباره نوعی کمک هزینه محسوب می شود. اگرچه ممکن است محاسبه بر اساس قیمت روی جلد کتاب نشان دهنده سود باشد، لیکن این سود، اگر هم حاصل شود در درازمدت به وسیله هزینه‌های اضافی انبارداری و انجام سفارشات کوچکتر منتفی خواهد شد.

جریان امور انتشارات به عنوان يك مؤسسه تجارتي، توسعه و توقف برنامه‌ها و تخصیص منابع، تصمیمات کلی اتخاذ کند. دوم اینکه به عنوان هیئت ویراستاران باید تصمیم قطعی درباره انتشار و یا عدم انتشار دستنویس بگیرد. این دو وظیفه در اغلب مؤسسات نشر از یکدیگر تفکیک شده اند. ممکن است حتی دو هیئت (هیئت مدیره و هیئت ویراستاران) وجود داشته باشد که در این صورت بعضی از افراد در هر دو هیئت عضو باشند. با اینحال در دراز مدت این دو وظیفه نمی توانند جدا از یکدیگر باشند، مخصوصاً در مورد مؤسسات انتشاراتی دانشگاه‌هایی که تنها منافع مادی مورد نظرشان نیست، اگرچه جهت بقای خود و انجام کارهای مثبت نباید منافع مالی را ندیده بگیرند. مؤسسه‌ای که تحت سلطه هیئت مدیره تجارتي است بزودی صلاحیت «دانشگاهی» خود را از دست خواهد داد، و اگر بدون توجه به دستورات این هیئت مدیره تجارتي عملی کند، استقلال مالی خود را خیلی زود از دست می دهد.

از يك هیئت علمی متشکل از استادانی که به تدریس و تحقیق تمام وقت مشغولند و نمی توانند مثلاً بیش از سه ساعت در هر پانزده روز به مسائل انتشارات بپردازند، نمی توان انتظار راهنمایی‌های مداومی را داشت که بدون آنها جریان امور نظم نخواهند یافت. تصمیمات مربوط به خط مشی کلی احتمالاً در مورد موقعیت‌های خاصی که هیئت مدیره با آنها روبروست اتخاذ می شود. حتی در مورد مسائل ویراستاری و قبول یا رد کتاب، ابتکارات و واکنش‌های هیئت مدیره، هر چند فعال و خلاق باشد، با عدم اطمینان همراه است و معمولاً وجود يك انگیزه خارجی برای تجلی آنها ضروری است، و بندرت به صورتی طبیعی از مشی کلی انتشار ناشی می شود. تداوم و انگیزه فقط می تواند از طریق مسئولین و متخصصین چاپ و نشر که مسئول اداره روزمره انتشارات دانشگاهی هستند ارائه شود.

از آنجا که مؤسسه کاملاً متعلق به دانشگاه است، مسئولین نیز همانند اعضای هیئت کنترل نمی توانند منفعت مالی در آن داشته باشند. آنها اغلب حتی عضو هیئت مدیره نیستند، بلکه مدیران حقوق بگیري هستند که در صورت جلب اعتماد هیئت مدیره می توانند صرفاً به عنوان اعضای دائمی بر روی ماهیت و جهت کار مؤسسه نفوذ واقعی داشته باشند.

کمال مطلوب این است که هیئت مدیره نه به عنوان کمیته‌ای مرکب از متخصصان، بلکه به عنوان يك هیئت داوری متشکل از افراد کاردان به ارزیابی پروژه‌های گوناگونی بپردازد که توسط مسئولانی ارائه می شود که گستره تخصص‌شان گسترده تر از

این رهگذر قیمت معقولی برای خریدار و سودی برای ناشر در نظر گرفت. ناشران تجارتي که جلب این بازار شده اند، با تمام نیرو به طرف آنچه که سابقاً حوزه عمل مؤسسات انتشارات دانشگاهی بوده است وارد شده اند، و اکنون مؤسسات انتشارات دانشگاهی باید حتی برای به چنگ آوردن دستنوشتهایی که شاید قبلاً صرفاً متعلق به دانشگاهها به نظر می رسید، با آنها به طور جدی رقابت کنند.

این پدیده را وضع فعلی دستنوشتهای تقاضا شده یا تقاضا نشده از جانب ناشران روشن می سازد. قبل از جنگ جهانی دوم ۹۰ درصد دستنوشتهایی (بغیر از کتابهای درسی) که به وسیله انتشارات دانشگاهی کمبریج قبول شده بود، بدون اطلاع قبلی ناشر دانشگاهی به صورت يك بسته پستی همراه با تقاضانامه ای برای نشر آنها، به دفتر رئیس مؤسسه ارسال می شد. امروزه بیش از نیمی از دستنوشتهایی که برای نشر پذیرفته می شود نتیجه تلاشهای ویراستاران مؤسسه انتشاراتی دانشگاهی کمبریج است که می کوشند تا مؤلف دانشگاهی را متقاعد کنند که مؤسسه در امر فروش، حق تألیف و تولید اثر بهتر از هر ناشر دیگری عمل خواهد کرد، و یا حتی طرح کاملی از کتاب را به او پیشنهاد می کنند، و این مؤسسه نشر دانشگاهی است که چنین درخواستی را می کند.

رقبای جدید آماده هستند که نه تنها در فرصتهای سودآور بلکه در تعهدات خرج بردار بازار نیز شرکت کنند. برای به حداقل رسانیدن این تعهدات گاهی ناشر تجارتي باید برای جلب نویسندگان خوب بر روی بعضی از کتابها ضرر بدهد (امروزه تعداد کمی از کتابها چنین اند) و به عنوان تبلیغ، برای آینده، وضع ویرایش و تولیدش را بهتر کند. ناشر دانشگاهی از حالت بی رقیبی و تخصصی بیرون آمده است. او مانند بازیگر برجسته ای است که زمینه بازیش توسط بازیگران معمولی اشغال شده است و باید یا بازی را طبق قواعد عمومی انجام دهد و یا زمینی خصوصی برای خود جستجو کند.

ناشر دانشگاهی که فعالیت در يك جمع بزرگ را می پذیرد، امتیازاتی برای خود نگاه می دارد. او به عنوان فردی در داخل جمع، دسترسی بیشتری به اطلاعات مربوط به فرصتها و احتیاجات مجامع علمی می یابد و چون، علیرغم مشاجرات درونی خانواده دانشگاهی، نوعی اتحاد بین دانشگاهیان وجود دارد، می تواند از مطلعان دانشگاهی انتظار داشته باشد که نظریات حرفه ای خود را، که بدون آنها ناشر دانشگاهی به جایی نخواهد رسید، در مورد برنامه ریزی عمومی ویرایش و همچنین در مورد کتابهای خاص در

ثالثاً مؤسسه انتشارات دانشگاهی باید بتواند تا حدودی کمال جو باشد و شیوه ها و تکنیکهای جدید و استانداردهای مبتکرانه ای برای چاپ، ویرایش و تولید ابداع کند. موضوعات تازه و نیز روشهای جدیدی برای مطالعه موضوعات قدیمی وجود دارد که بدون دسترسی به کتابها ارائه آنها امکانپذیر نیست.

مؤسسه انتشارات دانشگاهی قبل از اطمینان از بازار باید آماده باشد که به تولید کتاب اقدام کند. مؤسسه باید نسبت به روشهای جدید عرضه کتاب حساس باشد و به اندیشه هایی که در جهت اصلاح قابلیت آموزشی کتاب ارائه می شود و به نوآوری هایی که برای مؤثرتر بودن تصویرگری کتاب انجام می شود میدان دهد. اغلب مؤسسات انتشارات دانشگاهی، بخصوص آنهایی که دارای چاپخانه های وابسته هستند، به خاطر طراحی عالی، ویرایش دقیق، صفحه آرایی، نمونه خوانی و سخاوت در اجازه اصلاح مکرر متن به مؤلفان، به خود می بالند.

متأسفانه نوعی کمال جویی ملانقطی وار نیز وجود دارد که کمال جویان باید مراقب باشند که گرفتار آن نشوند، والا حافظ سنتهای کهن از آب در خواهند آمد. محافظه کاری که گاهی مؤسسات انتشارات دانشگاهی به آن متهم می شوند، و با نوآوری و قابلیت قبول پدیده های نو که خاص دانشگاه است تناقض دارد، نه از عدم تحرك بلکه از وسواس در رعایت ضوابط ناشی می شود. برای عدم تحرك واقعی هیچ عذری پذیرفته نیست. اما مؤسسات انتشارات دانشگاهی کمتر از ناشران و چاپخانه داران به پسند باب روز، استفاده از فرصتهای تجارتي، روشهای فنی تازه مرسوم و ترتیبات اداری پایبندند. آنها در درجه اول نباید خود را چاپخانه دار و یا ناشر فرض کنند، بلکه باید خود را کارشناسانی بدانند که با مؤثرترین وسیله، معارف شری را از يك فرد به فرد دیگر منتقل می کنند. مؤسسات انتشاراتی باید آماده باشند تا از هر روش ارتباطی جدیدی که مطلب چاپ شده را تکمیل کند و یا احتمالاً جانشین آن شود استفاده کنند. دوره برنامه ریزی برای مؤسسه انتشارات دانشگاهی باید بیشتر از دوره برنامه ریزی برای يك مؤسسه شخصی و حتی يك شرکت انتشاراتی باشد.

با اینهمه منحصر بفرد بودن مؤسسات انتشارات دانشگاهی در تمام این زمینه ها متزلزل شده است. دلیل آن را می توان افزایش تعداد خوانندگان مطالب دانشگاهی بعد از جنگ، و بویژه تعداد کتابخانه های دانشگاهی دانست که تقاضای کافی بالقوه برای انواع کتابها، بجز مطالب کاملاً تخصصی، ایجاد کرده اند، اکنون می توان با چاپ کتاب در تیراژهای بالا فروش را افزایش داد و از

اختیار او قرار دهند. در عوض او باید خود را در وضعی قرار دهد که به مؤلفان دانشگاهی مزایایی عرضه کند: نه فقط از راه پرداخت نرخهای (درصدهای) مساوی با سایر ناشران، بلکه از طریق متقاعد ساختن آنها به این نکته که کتاب علمی او را در سطحی گسترده و مؤثر همتراز با رقبای خود (سایر ناشران) خواهد فروخت. این امر مستلزم وجود نوعی سازماندهی توزیع و فروش در سطح جهانی است، زیرا تک‌نگاریهای دانشگاهی (مخصوصاً در زمینه علوم)، اگرچه در کشورهای مختلف به تعداد کمی فروش می‌رود، از هر نوع کتاب دیگری بین‌المللی‌تر است.

چنین سازمانی بدون وجود منابع کافی نمی‌تواند ایجاد شود، و برای بقای خود نیازمند داشتن کتابهای خوش فروش همیشگی است که بتواند «آب باریکه» ای برای هزینه پرداخت حقوقها، اجاره‌ها و مالیاتها باشد. مسئله بر سر پیدا کردن راههایی است برای باز گرداندن سرمایه، بدون اینکه خصلت دانشگاهی فهرست انتشاراتی مؤسسه را آبکی کند. مؤسسات انتشاراتی آکسفورد و کمبریج برای این منظور چاپ کتاب مقدس را در اختیار دارند که باعث می‌شود چاپخانه‌های آنها هرگز بیکار نمانند و هزینه حقوق فروشندگان و انباردارها از این طریق تأمین شود، اگرچه امروزه رقابت در این کار به حدی زیاد شده است که منافع افسانه‌ای

انتشار کتابهای دینی در صورتی هم که صحت می‌داشت، از مدت‌ها پیش از بین رفته است. منبع درآمد انتشارات آکسفورد چاپ فرهنگ لغات است و انتشارات کمبریج نیز برای این منظور خود را در خط انتشار مجلات تخصصی انداخته است. هر دو مؤسسه توانسته‌اند کیفیت دانشگاهی را با صرف حداقل هزینه حفظ کنند.

اگر قرار است موقعیت دانشگاهی تضعیف نشود، دانشگاه باید از دست زدن به بعضی کارها اجتناب ورزد: انتشار عنوانهای پولساز و جهت‌گیری. منتشر کردن ادبیات خلاق برای مؤسسه انتشارات دانشگاهی معمول نیست، و این امر شاید به خاطر رعایت این سنت مرده باشد که بنا بر آن دانش و هنر دو چیز متفاوت اند و قلمرو دانشگاه فقط در زمینه دانش است، و شاید به خاطر این واقعیت که تشر داستان دست کم کاری تخصصی است. در حقیقت کمبریج سه کتاب داستان منتشر کرده است، ولی برای اینکه موجب بدگمانی کتابفروشان نشود، آنها را عمیقاً در لباس تاریخ عرضه کرده است. «مناسب برنامه انتشارات بودن» مفهوم پر اهمیتی است. چاپ کتاب داستان به وسیله کمبریج به نظر خوشایند نمی‌آید. وقتی کسی مقاله جایزه برده‌ای را درباره «بعضی جنبه‌های خزانه‌داری چارلز دوم در ۱۶۶۱-۱۶۶۲» با ضرر انتشار داده است، این فکر می‌تواند وسوسه‌اش کند که اگر فقط

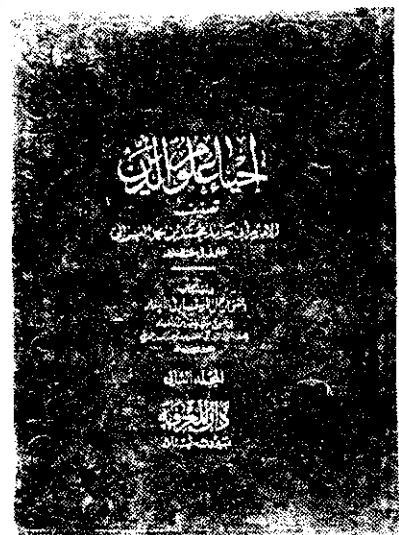
## تفکر و نظر

عبدالکریم سروش

## نگاهی به احیاء علوم الدین و الموجهة البيضاء

نظر در تاریخ تفکر مذهبی آشکارا نشان می‌دهد که نهضت اصلاح اندیشه‌های مذهبی و تلاش برای خرافه زدائی و احیاء و پیراستن آموزشهای اصیل آئین‌های الهی موقوف و منحصر به زمان ما نیست. در روزگای ما کسانی چون سیدجمال، اقبال، عبده، شریعتی و غیر هم در برابر هجوم اندیشه‌های مادی و غربی از خارج و در برابر نفوذ بیماری تحجر و تجزم از داخل، دست به این اصلاح و پیرایش زدند، اینان نوآرانی بی‌ریشه و بی‌ساقه نبودند بلکه از سنت دیرین گذشتگان خود عبرت می‌آموختند. در فرهنگ مسیحیت، پروتستان‌تیزم نهضتی واژگون کننده و پرنفوذ و دراز آهنگ بود. در خاک اسلام گرچه درختی بدان تناوری و سایه افکنی، نروئید و پای نگرفت اما اینجا و آنجا، بتفاریق و تفاوت نهالهایی نازک و ظریف و عطرآگین و هوش نواز برآمد و قطعه‌هایی از قلمرو بزرگ اندیشه‌های مسلمین را که برنگ التقاط و انگ انحراف مطعون و متهم بود تعدیل و بسامان کرد.

افکار مسلمین پس از گذشت پنج قرن از ظهور اسلام هم



می‌توانست زندگینامه نویسنده یعنی نل گوین (Nell Gwyn) را از پیش به دست آورد قادر می‌بود ضرر گذشته را جبران کند. اما ناشر دانشگاهی باید در مقابل این وسوسه‌ها ایستادگی کند، و یا حداقل اگر قصد دارد در یکی از رشته‌های تخصصی نشر داستان، موسیقی، حقوق، طب یا کتابهای کودکان فعالیت کند، نه به صورت خرده کاری و فرصت طلبانه بلکه با اطمینان کامل و در مقیاسی وسیع باید عمل کند.

در حالتی که مؤسسه در سطحی وسیع مشغول کار باشند، بزرگترین مشکلات در شعبه‌های خارج از کشور پدید می‌آیند. نیاز به تنظیم دخل و خرج، هواداریهای طبیعی کارکنان، و فشار اجتناب‌ناپذیری که بر ضد گرایشهای خارجی و به نفع گرایشهای بومی وجود دارد، همگی شعبه انتشارات دانشگاهی را به سمت نشر محلی سوق می‌دهند. اگرچه این امر ممکن است باعث استحکام مؤسسه گردد، ولی مانند هر تنوعی سبب تجزیه هویت و کنترل مؤسسه و نیز بی‌اعتبار شدن ادعاهای استوار بر آرمانهای دانشگاهی می‌شود.

کار کردن در سطح محدود نیز مشکلات خودش را دارد. بعید به نظر می‌رسد که یک مؤسسه انتشارات دانشگاهی بدون توزیع جهانی، بتواند کتابهای مورد نیاز دانشکده خود را تأمین کند. ایجاد

شکلی از تشریحات محلی که از پس مانده‌های بازارهای بزرگتر، نوشته‌هایی مانند شرح مراسم و تشریفات دانشگاهی، یادنامه‌ها و افتتاحیه‌ها و یا مطالب خاص دانشکده‌ای تشکیل نشده باشد، آسان نیست. مؤسسات انتشارات دانشگاهی آمریکا و استرالیا با وجودی که توانسته‌اند برای خود معروفیت کسب کنند ولی به نظر من در نشر کتابهای محلی از حیث مالی موفق نبوده‌اند. یقیناً اگر مؤسسه نتواند در منطقه‌ای بزرگتر از دانشگاه خود فعالیت کند، لیست تشریحاتش محقر به نظر خواهد آمد. و این همان اشکالی است که در ایجاد مؤسسه انتشاراتی در یک دانشگاه جدید وجود دارد. اکنون که انتشارات دانشگاهی نظر سرمایه‌گذاران را جلب کرده است، فرصت از آن کسانی است که از سالها پیش در این زمینه فعالیت داشته‌اند.

منظره‌ای را که من در اینجا ترسیم کردم چیزی است که از پنجره گوتیک دفتر کارم در کمبریج انگلیس دیده‌ام. این تصویر صرفاً کار خود من است. به گمان من این منظره حداقل برای همکارانم در کمبریج قابل تشخیص است، ولی جنبه‌های عمده‌آن با آنچه که دیگران در دانشگاههای دیگر می‌بینند، اختلاف چندانی ندارد.

ترجمه مهشید مشیری

ویراسته علی صلحجو

کتاب بزرگ و دانشنامه‌آسایی است به زبان عربی که به ادعای گمان غزالی همه چهره‌های اسلام را آنچنانکه بوده و آنچنانکه می‌باید بدان متصف و معتقد بود، می‌نمایاند. غزالی در این کتاب فقیه و فیلسوف زبردستی جلوه می‌کند که هم به فقه و هم به فلسفه پشت پا زده است. و این دو را دو سرطان می‌داند که پیکر آئین اسلام را به احتضار افکنده است. غلبه تفکر کلامی و فرورفتن در مجادلات بی‌حاصل فلسفی و ایجاد مجالس برای مناظرات پرغوغا و غرورآمیز متکلمین و فتاوا و حیل‌های شرعی فقیهان و خلاصه کردن مذهب در آداب خشک و بی‌روح فقهی و عبادتی و غفلت از روح خداگرایانه و عارفانه اسلامی غزالی را بسیار رنج می‌دهد و همین است آنچه او را و می‌دارد تا احیاء علوم‌الدین را تألیف و علوم دین را از نو احیاء کند. خود وی در مقدمه کتابش، رنج و وسواس و مسئولیتش را چنین شرح می‌دهد. «...راهنمایان همان عالمان اند که وارثان پیامبران اند و زمانه از آنها تهی است. و جز ظاهرسازان کسی نمانده است که همه مقهور شیطان اند و

به فلسفه یونان آمیخته بود و هم از سرچشمه‌های زلال و زندگی بخش آموزشهای خالص این مکتب به دور افتاده بود. امام ابو حامد محمد غزالی، فیلسوف، متکلم، فقیه و عارف بزرگ قرن پنجم فرهنگ اسلامی، که خود سالها بتدریس علوم رایج زمان در دانشگاه بزرگ و پرآوازه نظامیه اشتغال داشت، اندک اندک بدین نکته ظریف رهنمون شد که آنچه وی و دیگران می‌آموزند و می‌آموزانند، اسلام نیست بلکه تعلیماتی منسوب به اسلام است؛ و اسلام در حالت راستین و پیراسته اش مغفول و متروک واقع شده است. وی از همه مناصب و شغل‌های خود دست کشید. ماهها در بیماری شدید فکری و فشار روحی بسر برد و در کار خود و مسئولیت خود اندیشید و دست آخر به صوب مکه و در باطن به عزم عزلت و خودسازی از بغداد بیرون آمد، و سالها در دمشق و بیت المقدس منزل گزید، و به پی افکندن افکار احیاء کننده و پیرایشگر خود همت گماشت و محصول این تلاش را در کتابی بزرگ به نام احیاء علوم‌الدین گرد آورد. احیاء علوم‌الدین و یا به نامی که بیشتر رایج است احیاء العلوم